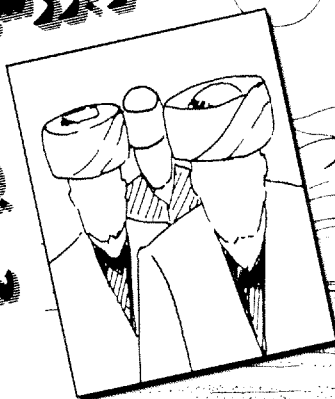


خاطرات



نقد و بررسی متن تاریخی

یادداشت‌های سفر به خانه خدا



یوسف ناگوا چانگ / رضا مراد زاده



سال‌ها پیش سفری به چین داشتم که در آن سرزمین نوشته‌ای بسیار تاریخی و ارزشمند در باره سفر یکی از دانشمندان و متفکران مسلمان آن دیار به نام روح‌الدین «ماده‌شین» ملقب به «فوجو» به دستم رسید. فتوکپی آن را با خود به ایران آورده، به فارسی ترجمه کردم. متن این سفرنامه به سبک نثر قدیم زبان چینی است و چون زبان چینی مشکل‌ترین زبان دنیا است، لذا ترجمه این متن نیز دشوار و وقت‌گیر بود.

این متن نسبتاً طولانی را در سه شماره تنظیم نمودم که قسمت دوم و سوم نیز در شماره‌های بعد به چاپ خواهد رسید. امید است مورد توجه و عنایت خوانندگان مجله «وزین» میقات حج قرارگیرد.

سخن نخست:

ماده‌شین^۳ (۱۷۹۴ تا ۱۸۷۴م) ملقب به «فوجو»^۴ یکی از دانشمندان و متفکران بزرگ مسلمان و پراوازه سرزمین چین است. نام دینی وی را «یوسف» و «روح‌الدین» ذکر کرده‌اند. ما در این نوشته از او بیشتر با نام «روح‌الدین مافاچو» یاد خواهیم کرد. مافاچو به همراه وانگ دای یو^۵ (۱۵۸۴ تا ۱۶۷۰م)، یوسف ماجو^۶ (۱۶۴۰ تا ۱۷۱۱م) و لیوجی^۷ (۱۶۵۵ تا ۱۷۴۵م) چهار اندیشمند و مترجم بزرگ کتاب‌های دینی و اسلامی چین در دوران فرمانروایی دودمان چینگ^۸ (۱۶۱۶ تا ۱۹۱۱م) محسوب می‌شوند.

روح‌الدین مافاچو در طول حیات هشتاد ساله‌اش بیش از سی جلد کتاب را ترجمه و تألیف کرد. بیشتر آثار و نوشته‌های وی دربارهٔ اصول، احکام، فقه، شریعت، فلسفه، تاریخ اسلام، قرآن و علوم قرآنی، دستور زبان عربی، علم معانی و بیان، شرح و تفسیر کتاب‌های سه متفکر بزرگ اسلامی سابق‌الذکر چین است. برخی از این آثار به زبان عربی و فارسی و برخی دیگر به زبان چینی نوشته و تدوین شده‌اند.

مافاچو نخستین شخصیت مسلمان در سرزمین چین بود که بیست جزء از قرآن کریم را به زبان چینی ترجمه کرد. عنوان چینی آن «بائومینگ ژن جینگ ژی جیه»^۹ (ترجمه‌ای مستقیم از قرآن کریم) نام دارد. متأسفانه نسخهٔ اصلی دست نویس این ترجمهٔ گران بها در درگیری‌ها و لشکرکشی‌های داخلی چین بر اثر آتش‌سوزی از بین رفت و اکنون تنها ترجمهٔ پنج جزء اول قرآن مجید در اختیار ما قرار دارد. ترجمهٔ گزیدهٔ وی نخستین تلاش برای ترجمهٔ کامل قرآن کریم در سرزمین چین محسوب می‌شود.

یکی دیگر از آثار مهم روح‌الدین مافاچو «یادداشت‌های سفر به خانهٔ خدا» یا «یادداشت‌های سفر مکه» نام دارد. این رساله یا کتاب کوچک در واقع سفرنامهٔ حجّ وی به شمار می‌رود و حاوی شنیده‌ها و دیده‌های این دانشمند و متفکر شهیر عصر چینگ در گردش و سیاحت از جهان اسلام و ممالک عرب است.

این رساله دارای محتوایی تاحدی غنی و ارزشمند و یک سند تاریخی گرانبها است. گفته می‌شود پژوهشگران و محققان خارجی که در زمینهٔ اسلام در چین بررسی و تحقیق کرده‌اند، این اثر را بیش از دیگر آثار مؤلف ستوده‌اند.

این سفرنامهٔ مختصر، بی‌تردید یکی از نادرترین و معتبرترین متن‌ها و سندهای تاریخی سفر مسلمانان چین برای زیارت خانهٔ خدا در اواسط قرن نوزدهم میلادی به شمار می‌رود. از تاریخ ورود و گسترش اسلام در سرزمین چین بیش از یک‌هزار و سیصد و پنجاه سال می‌گذرد و مسلماً تعداد زیادی از مسلمانان این دیار با تحمل رنج و مرارت و مشقت فراوان از مسیرهای دریایی و زمینی «جادهٔ ابریشم» به زیارت حرمین شریفین در جزیرهٔ العرب رهسپار شده‌اند. اما متأسفانه به دلایل گوناگون، هیچ اثر و سند مکتوب در خصوص کمیت و کیفیت این سفرها در دسترس نداریم. از این رو، این کتاب کوچک به عنوان اولین متن قدیمی مکتوب و ارزشمندترین سند فرهنگ حجّ مسلمانان



چین توانسته است گوشه‌ای از این کمبود و خلأ را جبران کند.

ما فوجو تمام دیده‌ها و شنیده‌های سفر زیارت خانه خدا؛ از قبیل آثار باستانی و تاریخی، خرابه‌های روزگاران قدیم، سیمای واقعی آثار تاریخی برجای مانده و همچنین شرایط طبیعی و آداب و رسوم اجتماعی مردم آن مناطق را ثبت کرده است. این کتاب کوچک همچنین وضعیت رفت و آمدها و ارتباطات دریایی و زمینی کشور چین با سرزمین‌های اسلامی - عربی و ممالک آسیای غربی در دهه پنجاه قرن نوزدهم میلادی را به تصویر کشیده است.

مطالب این جزوه هنوز با گذشت یکصد و شصت و پنج سال برای مطالعه و تحقیق در خصوص سیر تحولات و تکامل جغرافیایی، آمد و رفت‌ها و ارتباطات و نیز سیاست‌ها و برخوردهای انسانی، از اهمیت و ارزش تاریخی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

حج فریضه‌ای از فریضه‌های الهی و چهارمین رکن از ارکان اسلام است. حج بزرگترین و شکوهمندترین و گسترده‌ترین گردهمایی مؤمنان و مسلمانان سرتاسر جهان است. زیارت خانه خدا و آرامگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان یک فریضه الهی در قرآن کریم و احادیث نبوی مورد تأکید و تشویق قرار گرفته است. قرآن کریم در بیان اهمیت و ضرورت زیارت بیت الله الحرام با تأکید چنین می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾. (آل عمران: ۹۷)

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله نیز درباره سیر و سفرهای معنوی چنین فرمود:

«لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْمَسْجِدِ هَذَا وَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى».

«سفرها جز با سفر به سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من (مسجدالنبی)

و مسجد الاقصی کامل و استوار نمی‌گردند.»

روح الدین مافاچو مسلمان معتقد و مخلص و دانشمند پارسای چین در پیروی از فرمان خداوند متعال و فرمایش رسول گرامی صلی الله علیه و آله در سال ۱۲۵۷ هجری قمری برابر با سال ۱۸۴۱ میلادی برای زیارت حرمین شریفین و مسجد الاقصی و نیز کسب دانش و

علوم دینی و معارف اسلامی عازم سفری دراز مدت شد. این سفر زیارتی و نیز علمی و پژوهشی هشت سال به طول انجامید. وی پس از بازگشت به چین، خاطرات خود از این سفر را به زبان عربی به رشته نگارش درآورد.

سال‌ها بعد یکی از مریدان و شاگردان وی به نام «مآ آن لی»^{۱۰} (۱۸۲۰ تا ۱۸۹۹م) این اثر را از زبان عربی به زبان چینی با عنوان «چائوجین توجی»^{۱۱} (یادداشت‌های سفر به خانه خدا) ترجمه کرد. متن این اثر به سبک نثر قدیم چینی ترجمه و تدوین شده است. این ترجمه در سال ۱۸۶۱ میلادی در شهر «کون مینگ»^{۱۲} در ایالت «یون نان»^{۱۳} واقع در جنوب غربی چین با استفاده از چاپ چوبی طبع و منتشر گردید.

مترجم این کتاب کوچک «مآ آن لی» ملقب به «جینگ جای»^{۱۴} از ادیبان و دانشمندان چیره‌دست و ماهر در زبان و ادبیات چینی بود. توانایی ادبی این متفکر مسلمان ایالت یون نان در آن روزگار نادر و گرانبها و تحسین برانگیز به شمار می‌رفت. او بعدها به محضر مافاچو شرفیاب شد و تمام توان خود را صرف مطالعه و تحقیق در منابع و علوم اسلامی کرد. اکثر آثار و کتابهای مافاچو توسط خودش به صورت شفاهی انشا می‌شد و به کمک مآ آن لی و شاگرد دیگر وی به نام «ماکای که»^{۱۵} به صورت مکتوب ترجمه و نوشته می‌شد. این نوشته‌ها را پس از اصلاح و تنظیم بر روی الواح چوبی حکاکی و چاپ می‌کردند.

از برخی اسناد تاریخی خارج از کشور چنین برداشت می‌شود که پس از شکست مبارزات مسلمانان ایالت یون نان به رهبری مافاچو علیه فرمانروایان دودمان چینگ، مآ آن لی نیز به شهر پکن پناه برد و در آنجا سمّت مترجم چینی و عربی سفارت فرانسه در چین را بر عهده گرفت.

مآ آن لی در «یادداشت الحاقی» خود پس از پایان ترجمه چینی رساله «یادداشت‌های سفر به خانه خدا»، توضیحات مختصری در خصوص زندگی نامه، مقصود و جریان پیدایش این رساله ارائه کرده و برای این اثر ارزش و اهمیت زیادی قائل شده است. مآ آن لی در «یادداشت الحاقی» خود چنین می‌نویسد:

این رساله‌ای است که استاد عالی‌قدم فوچو خود درباره مسیر رفتن به زیارت خانه خدا روایت و تعریف کرده است. استاد فوچو اهل شهر «تای‌خه»^{۱۶} در



ایالت یوننان است. در دوره نوجوانی یتیم شد. در زیرکی و نکات و هوش بر دیگران برتری داشت. دارای همت بلند و آرزوهای شگفت بود. معرفت و دانایی را از خانواده به ارث برده بود. در آن روزگار شخصیتی مشهور و نامدار بود. او با شجاعت و دلیری، ایالت «شان‌شی»^{۱۷} و «سی‌چوان»^{۱۸} را زیر پا درنوردید تا دانش وسیع و فراوان در خصوص کتب دینی به ویژه قرآن کریم و نیز کتب تاریخ چین کسب کند. پس از بازگشت، بلافاصله محافل درس برای تعلیم و آموزش (معارف اسلامی) در مناطق مختلف دایر کرد. بعد از سیاحت و گردش در سرزمین وحی، در اطراف و اکناف (ممالک دیگر) به جستجو پرداخت و به آموختن دانش و گردآوری کتاب‌های دینی مشغول شد. با امیر مکه، مقامات عالی‌رتبه گوناگون، عالمان دینی و متفکران و دانشمندان، طبیبان، منجمان و ستاره‌شناسان و مأموران مشغول به رصد ستارگان، طلاب علوم دینی و پیروان مذاهب و فرقه‌های گوناگون اسلام ملاقات کرد. به هر سرزمین و کشوری که می‌رسید آداب و رسوم و موسیقی و قوانین و مقررات و شرایط طبیعی و آداب و رسوم اجتماعی مردمان آن مناطق به روشنی در برابر چشمان وی نمایان می‌شد، و همزمان کتاب‌های شگفت‌انگیز گوناگونی را خرید تا با خود به خانه (چین) برگرداند که تا آن زمان چینیان (مسلمان) ندیده بودند و از آن اطلاع نداشتند. قبل از استادم افراد دیگری نیز به سفر زیارت خانه خدا رفته بودند، اما چیز زیادی درباره پیدایش و وجود فرقه‌های مذهبی آیین ما (اسلام) نشنیده بودیم، و نمی‌دانستیم که شباهت‌ها و مغایرت‌های قوانین و مقررات سرزمین‌های شرق و غرب (جهان اسلام) و نیز نظام ساختار حکومت چهار خلیفه چگونه بوده است و نیز نمی‌دانستیم که احکام ممنوعه سیاسی و مذهبی دیگر ممالک چیست. اینگونه موارد را هیچ‌کس نمی‌دانست. تنها استادم آنچه را از سرگذرانده به دقت ثبت و ضبط کرده است، هر بار که با افراد بی‌اطلاع در خصوص منظره و دورنمای مکه و کعبه صحبتی و بحثی به میان می‌آمد، آن صحبت خستگی‌ناپذیر و هیجان آور می‌شد. این کتابچه در مورد کتاب‌های قوانین و احکام دینی و مقررات شرعی آگاهی و معلومات بیشتر و بهتر و

گفته‌های محکم و قابل اعتمادی دارد. کتاب «کنفوسیوس» می‌گوید:

«خوشبختی و سعادت هر انسان به شگون و تقدیرش وابسته است.» استاد در این سفر هم تکلیف و فریضة الهی خود را انجام داد و هم با استفاده از کتاب آسمانی و کتب و آثار دینی راه پیامبر و آیین مقدس اسلام را تبیین و روشن ساخت، تا دانشمندان و عالمان (مسلمان) چین را از اساس و اصول دین اسلام و وسعت سرزمین نیاکان خویش با خبر و آگاه سازد. این رساله برای پاسخ به پرسش‌های گوناگون عامه مردم سودمند است.

اکنون رخدادهای سفر استاد به مناطق و سرزمین‌های عربی را مخصوصاً ترجمه می‌کنم، تا هم خستگی راه دراز و رنج سفر طولانی استاد در معرض دید عموم قرار گیرد، و هم عامه مردم (مسلمان) با مسیر رفتن به زیارت خانه خدا آشنا شوند.»

زیارت خانه خدا در اصل یکی از فرایض پنجگانه دین اسلام است. «لیوجی»^{۱۹} دانشمند شهیر مسلمان چین در کتاب «تین فانگ دیئن لی»^{۲۰} (آداب و احکام دین آسمانی) می‌نویسد:

«چون مسافر خانه خدا، کعبه را شخصاً زیارت کند و به وطن خویش برگردد؛ مانند آن است که از نو (پاکیزه) متولد شده باشد.» این وظیفه هر مسلمان است که صرف نظر از مکان اقامت، دوری یا نزدیکی راه و مسافت، در طول عمر خود یک بار خانه خدا، در مکه معظمه را زیارت کند، به آثار مقدس آن ادای احترام کند، و به زیارت آرامگاه پیامبر برود و به آن نیز ادای احترام کند، تا معنا و مفهوم «زندگی تازه و بازگشت به خویشتن» را درک نماید.

البته در صورت بروز شرایط ویژه‌ای مانند «بسته بودن راه، نداشتن استطاعت مالی و توشه راه، عدم رضایت پدر یا مادر، معلولیت و ناتوانی و از کار افتادگی» می‌توان این «فریضة آسمانی» را انجام نداد.

بی تردید روح الدین مافاچو به عنوان یک مسلمان معتقد و مخلص، با هدف انجام فریضة زیارت خانه خدا، راهی سفر شده است، اما او این سفر معنوی را با یک اقدام



راقعی و حرکت مشخص دیگر پیوند می‌زند. از این رو، این سفر طولانی تنها یک حرکت کاملاً خالص و محض برای زیارت خانه خدا نبود، بلکه یک اقدام و حرکت علمی با کسب نتایج مهم و دستاوردهای بسیار با اهمیت در تمام زندگی او محسوب می‌شود.

مافاچو با کوله‌باری از تجربه، آوازه و شهرت به موطن خود بازگشت و با ستایش و تحسین عمیق شخصیت‌های مسلمان و غیر مسلمان چین در آن روزگار روبرو شد. وی می‌گوید:

پس از پشت سر گذاردن مرارت‌ها، سختی‌ها و رنج‌های فراوان در طول هزاران کیلومتر، و بعد از مدّت هشت - نه سال بحث و تبادل نظر برای یادگیری و آموختن از دیگران و زدودن کاستی‌ها و نواقص همدیگر، کتاب‌هایی را که در سرزمین چین وجود نداشت را با چشم خود دیدم و نام فرقه‌هایی را که در چین رایج و شایع نبودند با گوش خود شنیدم...

زیارت بیت‌الله الحرام و زیارت آرامگاه پیامبر و آداب و سنن و نیز رفتارهای نیک و پسندیده برجای مانده از آن روزگار، دل‌کنند از آن محیط را برایم دشوار می‌کرد، و نیز مدّت هشت‌سال در حلقه درس عالمان و دانشمندان نامدار آن روزگار حاضر شدم و این دانش اندوزی بر عمق و ژرفای دانش و معرفت و دانایی من افزود...

آزاد و فارغ‌البال با امیر و مقامات بلند پایه مکه دیدار می‌کردم و دور هم جمع می‌شدیم، روزگار سپری می‌شد و به تدریج آداب و رسوم و سنن برجای مانده از پیامبر را فراگرفتم و بردانش و بهره‌ عقلی‌ام افزودم. در مجموع مطالب برخی کتاب‌های قدیمی (اسلامی) موجود در چین به هنگام مطالعه برایم واضح نبودند، در ممالک اسلامی به مطالعه و بررسی پرداختم و نقاط مبهم برایم روشن شد. با این همه، کتاب‌های دینی ارزشمند و آثار گوناگونی را به همراه خود حمل کردم و به خانه (چین) برگشتم.»

روح‌الدین مافاچو در چهل و هفت سالگی یعنی دوران سالخوردگی عازم زیارت

خانه خدا شد. البته پیش از این، وی برای کسب دانش در ایالت «شان شی» و «سی چوان» به مسافرت و سیاحت پرداخته و در حلقه درس آخوند بزرگ «جولیانگ جون»^{۲۱} از شاگردان نسل چهارم استاد بزرگ «هودنگ جو»^{۲۲} (۱۵۲۲ تا ۱۵۹۷م) بنیانگذار مکتب کلامی ایالت «شان شی» مشغول تلمذ و یادگیری دروس و کتب علوم اسلامی شده بود. در کسب دانش و معارف دینی به دستاوردهای ژرف و بزرگ دست یافت و در ایالت «یون نان» از شهرت و آوازه بلندی برخوردار شد. وی می‌گوید:

«چون دوران پیری و سالخوردگی را نزدیک دیدم، و هنوز حقیقت و دانش ناب را کسب نکرده و با معلم و مرشد کامل و معروف به ندرت سروکار داشتم، لذا از جنوب ایالت یون نان به راه افتادم، و منطقه کوهستانی «لینگ بیائو»^{۲۳} را پشت سر گذاشتم و با عبور از روی اقیانوس‌ها به زیارت خانه خدا رفتم.»

این نکته‌ها نشان می‌دهند که سفر حج مافاجو تنها به زیارت خانه خدا منحصر نبود، بلکه وی عمدتاً برای جستجوی «حقیقت» و دیدار با «استاد و مرشد کامل» عازم خانه خدا شد. این مسأله امری غیر قابل شک و تردید است.

در راه مکه

روح‌الدین مافاجو در رساله «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» درباره آغاز سفر خویش چنین می‌نویسد:

«در روز بیست و دوم ماه شوال ۱۲۵۷ هجری قمری برابر با بیست و یکمین سال از فرمانروایی امپراتور «دائو گوانگ»^{۲۴} از دودمان چینگ، با خلوص نیت عازم سفر زیارت خانه خدا شدم. همه بازرگانان به سوی شهر «آ و»^{۲۵} حرکت می‌کنند... و از راه «جینگ دونگ»^{۲۶} «پو ار»^{۲۷} «سی مائو»^{۲۸} عبور می‌کنند. روز شانزدهم ماه ذی‌قعدة از سرحدات چین گذشتم. با عبور از یک شهر بزرگ به نام «جیو لونگ جیانگ»^{۲۹} در ساحل یک رود بزرگ منزل کردم. روز دوم ذی‌حجه به یک شهر بزرگ به نام «مین جینگ»^{۳۰} از توابع شهر «آ و» رسیدم. روز دوازدهم به یک شهر بزرگ دیگر به نام «مین نای»^{۳۱} رسیدم و در



آنجا پنج روز اقامت کردم. روز سی‌ام به شهر «هو بو»^{۳۲} وارد شدم، این شهر اقامتگاه تجار و بازرگانان است. امروز آخرین روز سال است. روز دهم ماه محرم سال ۱۲۵۸ هجری برابر با سومین روز ماه نخست از بیست و دومین سال فرمانروایی امپراتور دائوگونگ از شهر «هو بو» عازم سفر شدم. پس از دو روز به شهر «لو جوئه»^{۳۳} رسیدم، بازرگانان نیز در این مکان توقف می‌کنند. نه روز در این شهر ماندم. با تجار و بازرگانان زیادی خداحافظی کردم. به همراه تعداد زیادی مستخدم و کلفت از راهی کوچک و باریک هشت روز پیاده‌روی کردیم. روز بیست و دوم محرم به شهر «آوا» رسیدم. این شهر پایتخت سلطان است. مردم محلی، شهر خود را «بای پانگ»^{۳۴} خطاب می‌کنند. به زبان عربی آن را «بای اِر پانگ»^{۳۵} (بئر بانگ) می‌نامند، در این شهر بیشتر مسلمانان و مؤمنان، پیرو مذهب حنفی و عده کمی پیرو مذهب شافعی هستند. مردم «بای پانگ» به گویش محلی تکلم می‌کنند. مسلمانان از استعمال واژه‌های دوستانه خوشحال و شادمان می‌شوند. مسلمانان از کاربرد زبان دوستی یا زبان دکنی نیز خرسند می‌گردند. آن را زبان سریانی نیز می‌نامند. شمار مؤمنان حدود سه هزار خانوار است، هجده روز در این شهر اقامت کردم، سلطان از شهر یانگ گونگ^{۳۶} مراجعت کرد. او مرا به حضور پذیرفت.

متن تاریخی پیشگفته، به روشنی نشان می‌دهد که سفر حج مافاجو از طریق «راه جنوب» چین آغاز و از ایالت یوننان وارد میانمار (برمه سابق) شده است. در سال ۱۸۴۱ میلادی برابر با ۱۲۵۷ هجری قمری، بوی باروت و زبانه‌های جنگ تریاک میان چین و انگلستان فروکش نکرده بود، و هنوز راه حمل و نقل دریایی چین با خارج به وسیله ارتش متجاوز انگلستان مسدود و محاصره شده بود. عبارت: «در آن زمان راه دریایی باز و قابل عبور نبود، و افراد به صورت دسته جمعی یا انفرادی با عزم و همت عالی راهی سفرهای طولانی می‌شدند.» مؤید مطالب پیشین است. لذا هرکس ناچار بود برای خود راه جدیدی باز کند.

با عبور از سمت غرب ایالت یوننان به سوی منطقه «شی شوانگ بن نا»،^{۳۷} به «سرزمین باران‌های بدبو و مه‌های وحشی» می‌رسیم.

در کتاب «تاریخچه دفاع مرزی یون نان» نیز چنین آمده است:

«و چون از شهر «چه لی»^{۳۸} (جیولونگ جیانگ) به سوی شهر «لوی»^{۳۹} تغییر جهت دهیم و از دروازه آن شهر خارج شویم، پس از طی ۲۹۰ «لی»^{۴۰} به شهر «مین گن»^{۴۱} (مین جینگ) می‌رسیم، و پس از طی ۱۲۰۰ «لی» دیگر به شهر مهم «آ وا» (مندالی یا ماندلایی = مقر اولیه حکومت میانمار) می‌رسیم...

روز هفتم ماه صفر، از «آ وا» عازم سفر شدم، با یک کشتی «حامل مس» از روی رود بزرگ سفر کردیم، مس را از بازرگانان چینی خریداری کرده بودند، هفده روز روی رودخانه بودیم، در روز بیست و ششم ماه صفر به شهر «یانگ گونگ» رسیدیم، این شهر در کنار دریا است و دورترین نقطه مرزی از آ وا محسوب می‌شود. افراد ماوراء بحار (خارجیان) سرزمین آ وا را «لانگ گونگ»^{۴۲} خطاب می‌کنند. من پنج ماه در این شهر اقامت کردم. در انتظار ورود کشتی «چون ده»^{۴۳} (جده) بودم. نام آن کشتی «کلنادی» بود. چندین ماه از سال می‌گذرد، می‌گفتند دریای هند در سه ماهه آخر سال به شدت متلاطم و طوفانی می‌شود؛ به طوری که نمی‌توان در آن کشتیرانی کرد. در منزلی در شهر «یانگ گونگ» اقامت کردم. این خانواده اهل سورات بودند، نام او ملا هاشم و بسیار میهمان نواز بود.»

روح‌الدین مافوچو از طریق جاده وسیع ارتباطی آن روزگار وارد میانمار شد، و سپس با «کشتی حامل مس» سفر کرد. در رود ایراودی (رود بزرگ) به سوی شرق بادبان‌ها را کشیدند و مستقیماً با کشتی به سوی رانگون (یانگ گونگ) رفتند.

از کشتی‌رانی یک کشتی حامل مس خریداری شده از تجار چینی بر روی رود بزرگ ایراودی می‌توان به این نکته پی‌برد که غالباً مبادلات تجاری و رفت و آمدهای بازرگانی میان چین و میانمار برقرار بوده است.

در کتاب «تاریخ پایتخت امپراتوری چیان لونگ»^{۴۴} چنین آمده است:

«محصول عمده صادراتی چین به کشور میانمار ابریشم خام بود و در مرتبه بعدی می‌توان از اقلام دیگری مانند مس، دیگ آهنی، پارچه‌های حریر و اطلس،



پتوی نمدی، ظروف چینی، توتون، تنباکو و چای نام برد. صادرات میانمار به چین نیز شامل کهربا، پشم سبز، پنبه، عاج فیل، شاخ گوزن، نمک و ماهی بود. کار تجارت رسم دیرپایی میان چین و میانمار است که تاریخ آن به زمان‌های بسیار دورتر نیز برمی‌گردد.»

واژه «افراد ماوراء بحار» در عبارت: «افراد ماوراء بحار آن را «لانگ گونگ» می‌نامند. نیز اشاره به «انگلیسی‌ها» دارد.

زمانی که امپراتوری بریتانیا نخستین بار در سال ۱۸۲۵ میلادی نبرد تجاوز کارانه‌ای علیه میانمار به راه انداخت. دولت میانمار مجبور به امضای «قرار داد یانگ دابو»^{۴۵} شد. و مناطق «آلاکان»^{۴۶} و «دی ناشی لین»^{۴۷} به انگلستان واگذار گردید، و دلتای رود ایراودی نیز به قلمرو نفوذ بریتانیا تبدیل شد. انگلستان برای نابودی میانمار و وصول به هدف نهایی خود؛ یعنی تأسیس یک مستعمره جدید، اقدام به دومین جنگ تجاوزکارانه علیه میانمار کرد. این نبرد در سال ۱۸۵۲ میلادی به وقوع پیوست و روند تبدیل میانمار به مستعمره انگلیس را سرعت بخشید.

«روز بیست و یکم ماه رجب، از «یانگ گونگ» عازم دریا شدیم، چون باد موافق و مساعد نبود، چهل روز در کشتی بودیم. در مواقع عادی در پانزده روز به مقصد می‌رسد. روز سوّم ماه رمضان، به یک شهر بزرگ، از سرزمین هند رسیدیم، تمام شهرهای این سرزمین بسیار بزرگ هستند. نام دیگر سرزمین آن بنگال و نام شهر آن کلکته است. این مناطق زیر نظر انگلیسی‌ها اداره می‌شود. این شهر دیوارهای سنگی حجاری شده مرتفع با لبه‌های کنگره‌دار و برآمده دارد. سوداگران و بازرگانان در یک نقطه معین گردهم می‌آیند. زبان مردم آن دکنی است. این سرزمین، مسلمان، ویشنویی یا بوداپرست نیز دارد. مجوسی و افراد مسیحی کاتولیک و پارسی هم دارد. مسلمانان زیاد کتاب‌های دینی و تمام کتاب آسمانی قرآن را چاپ و منتشر می‌کنند. من در این شهر (کلکته) چهار ماه اقامت کردم، در انتظار ورود کشتی «مو که»^{۴۸} (مکه) بودم. صاحب کشتی آدم خیرخواه و مهربانی بود. به افراد نقاط دور دست، بیشتر دوستی و مهربانی می‌ورزید. نام او «فلاح» و نام کشتی «جهاز سلیمان» بود.»

روح‌الدین مافوچو به خاطر انتظار برای ورود به کشتی جُدّه (چون ده)، بیش از چهار ماه در شهر کلکته هند و بنگلادش (بنگال) توقّف کرد. رونق و شکوفایی کاذب شهر کلکته که دارای «دیوارهای سنگی حجاری شده مرتفع بالبه‌های کنگره‌دار و نیز مرکز گردهم‌آیی بازرگانان» بود، بر پایه‌های چپاول و اسارت مردم و سرزمین آن سامان به دست قدرت استعماری انگلستان برپا شده بود. قدرت استعماری بریتانیای کبیر به سوی قارهٔ آسیا پیشروی کرد و هدف عمدهٔ آن تسخیر سرزمین هندوستان بود. البته نخست بنگلادش (بنگال) را تصرف کرد. کلکته یکی از دژهای عمدهٔ اشغالی بود که ثروت و دسترنج صدها میلیون مردم زحمتکش هندوستان از طریق این شهر بندری به طور مداوم به انگلستان انتقال می‌یافت. استعمارگران زیرک‌تر از کیمیاگران، ثروت و منابع هنگفت سرزمین هند را بدون پرداخت حتی یک شیلینگ چپاول و غارت کردند. سرانجام به سبب همین گونه‌ستم و استثمار بی‌رحمانه و بی‌عدالتی شدید اجتماعی، قیام سهمگین و خیزش بزرگ مردم هندوستان علیه انگلیسی‌ها در سال ۱۸۵۶ میلادی آغاز شد.

ادیان سرزمین هند همواره در جهان به پیچیدگی و بغرنجی معروف‌اند. اشارهٔ مافوچو به ادیان بودایی (ویشنویی)، زرتشتی (مجوسی)، مسیحیت کاتولیک و اسلام تنها به چند مذهب و آیین متداول و رایج اشاره دارد. آیین بودایی شش قرن قبل از میلاد مسیح، در هند به وجود آمد. ویژگی جامعهٔ برده‌داری هندوستان آن بود که طبقه اشرافی برهمن از «سیستم طبقاتی» برتر و مستحکم بهره‌مند بودند، و از جایگاه امتیازات ویژه در نظام برده‌داری برخوردار بودند و آن را در انحصار خود داشتند. آیین بودایی جریانی علیه طبقهٔ اشرافی برهمن بود. اشاعه و ترویج تعالیم «برابری همهٔ مخلوقات» از نظر روحی و معنوی، خودسازی فردی و عدم ذبح حیوانات و جانداران و نیز عدم از بین بردن نباتات می‌تواند پیرو آیین بودا را به وادی «نیروانا» که مرحلهٔ کمال محض است، نایل گرداند. هدف آیین بودایی ریاضت نفسانی و رفتار زاهدانه، رهایی از قید امیال و شهوات و نفس اماره و دوری از جدل و نزاع استوار است. «آیو وانگ»^{۴۹} (آشوگا)؟ تا ۲۳۲ قبل از میلاد) پادشاه دودمان طاووس در ایالت «مو جیه تا»،^{۵۰} آیین بودایی را به عنوان دین رسمی سرزمین خود اعلام کرد. او در سایهٔ حمایت حکومت، راهبانی را برای تبلیغ و ترویج آیین بودایی به کشورهای آسیای مرکزی و آسیای جنوب شرقی



گسیل داشت.

آیین زردشتی که احکام و آداب عبادت آن در کتاب «اوستا» گرد آوری و نگهداری می‌شود. بر این عقیده است که در جهان دو عنصر و اصل متضاد «تاریکی» و «روشنایی» در حال تقابل و نزاع هستند، و آتش مظهر نیکی و روشنایی است. از این رو، مراسم عمده دینی آنان پرستش «آتش مقدس» است. در اواخر قرن ششم میلادی، داریوش اول آیین زرتشت را دین رسمی سرزمین ایران اعلام کرد. آیین زردشت در قرن ششم میلادی در دوره حکومت دودمان «جنوب شمال» وارد خاک چین شد.

آیین مسیحیت که در مناطقی از ایران و هند و بنگال رواج یافته بود، نیز به عنوان یک «متاع وارداتی» در راستای گسترش استعمار به سوی مشرق زمین وارد سرزمین هندوستان شد. در اواسط قرن هشتم میلادی، سرزمین‌های خلافت اسلامی با استفاده از «جهاد» به طور مداوم به سوی خارج از مرزهای خویش گسترش یافت و در نتیجه سربازان، بازرگانان و آیین اسلام پشت سر هم وارد هندوستان شدند. این آیین وارداتی نیز چندین بار به توسعه و گسترش خود ادامه داد و سرانجام در برابر آیین بودایی پرورش یافته در خاک هند به جایگاهی مساوی و برابر دست یافت و به یک دین سنتی مؤثر در هند تبدیل گردید.

در سال ۱۸۸۴ میلادی، نورالدین «مآلیان یوان»^{۵۱} آموزگار با آوازه مراکز علوم اسلامی در چین و از شاگردان نسل دوم مافوچو برای تدریس به هند رفت و کتابش با نام «توضیح»^{۵۲} (شرح العقائد النسفیة) را به زبان عربی در سرزمین هند و بنگال چاپ و منتشر کرد و این اثر، نمونه زیبایی از مبادلات فرهنگی و علمی میان چین و هندوستان محسوب می‌شود و مظهر تأییدی بر عبارت مذکور در رساله «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» است که می‌گوید:

«مسلمانان زیاد کتاب‌های دینی و تمام کتاب آسمانی قرآن را چاپ و منتشر می‌سازند.»

«در روز سوّم ماهِ نخست از سال بیست و سوّم فرمانروایی دائو گوانگ (فصل بهار در شرق و غرب جهان) برابر با دهه اول ماه صفر سال ۱۲۵۹ هجری قمری، از روی دریا ابرهای گلگون یکنواختی را در ناحیه باختری مشاهده کردم. پس از آن به جزیره سیلان



رسیدیم، در این جزیره کوه «سای لانگ گو بو»^{۵۳} و محلّ هبوط حضرت آدم ابوالبشر، نیای نخستین بشریت و نیز آثار جای پای حضرت آدم موجود است. برخی می‌گفتند، آرامگاه حضرت آدم نیز در آنجا است. پس از چند روز، به «مای لای بو»^{۵۴} رسیدیم، این سرزمین مستعمره انگلیس (سرزمین مو سرخ‌ها) است. چند روز در آنجا ماندیم، از مالابو به راه افتادیم و پس از قریب بیست روز به «شوگو جوان لا»^{۵۵} رسیدیم، در آن شهری هست، به زبان عربی تکلم می‌کنند. پس از دو روز به شهر «ار فا»^{۵۶} رسیدیم، آرامگاه پیامبر قوم عاد در آن قرار دارد. این مکان مستعمره انگلیس است. همان روز به «موکا»^{۵۷} رسیدیم، که اقامتگاه صاحب کشتی است. در ساحل دریا، سرزمین یمن قرار دارد. یازده روز در آنجا اقامت کردیم. برای سه روز از پیاده روی محض لذت بردیم و به شهر «هادای‌ده»^{۵۸} (حدیده) رسیدیم. هشت روز در آنجا ماندیم، سپس به شهر «چون ده» رسیدیم، زمان هم روز هفدهم ربیع الثانی بود.»

روح‌الدین مافاچو در اوایل سال ۱۸۴۳ میلادی (بیست و سومین سال فرمانروایی دائو گوانگ)، هند را ترک کرد و مستقیماً از راه دریا به سوی بندر جدّه (چون ده) عزیمت کرد. در نیمه راه از سریلانکا (جزیره سیلان) عبور کرد، در آن جزیره کوه «سای لانگ گو بو» قرار دارد. «محلّ هبوط حضرت آدم ابوالبشر نیای نخستین بشریت، و آثار جای پای حضرت آدم در آن موجود است. برخی می‌گفتند، آرامگاه حضرت آدم نیز در آنجا است.» «نیای نخستین بشریت» اشاره به آدم، نخستین انسان ذکور مذکور در کتاب «انجیل - باب خلقت» است که خداوند او را از خاک و گل آفرید.

در کتاب «آداب و احکام دین آسمانی - فصل دین حنیف» می‌گوید:

«آسمان و زمین و همه چیز بی‌درنگ آماده شدند، (خداوند) از گردآوردن چهار عنصر باد، آتش، آب و خاک با روح، آدم ابوالبشر را در بیابان‌های «تینن فانگ»^{۵۹} آفرید. و سپس از دنده آدم همسرش حوا را خلق کرد. او با آدم ازدواج کرد و فرزندان و نوه‌های آنان به تدریج زیاد شدند و نسل در نسل به حیات ادامه دادند. واژه «تینن فانگ» در کتب و منابع قدیمی چین عمدتاً به شهر «مکه» و بعدها به صورت عمومی تر به «عرب و اعراب» اطلاق می‌شد.

در کتاب «یبی تونگ جی»^{۶۰} (تاریخ وحدت) چنین آمده است:



«تین فانگ در جنوب ارتفاعات کوهستانی «کون لون»^{۶۱} قرار دارد و از همه جهات باید اعمال و فرائض دینی را به سوی آن انجام داد». آنجا (مکه) محلّ هبوط آدم است. اقوال و گفته‌های بسیاری در این خصوص وجود دارد، اما تأیید و تصدیق آن دشوار است.

مافوچو در طی مسیر کشتیرانی، از ماله (مای لای بو)، جزیره سوکو ترا (شوگو جوان لا)، عدن (ار فو)، ماکا (موکا)، حدیده (هادای ده) و دیگر مستعمرات انگلیس عبور کرد.

ورود به مکه مکرمه - سرزمین وحی:

«از میان دریا میقات یَلْمَلَم را (دیدم) و مُحْرِم شدم. دو روز بعد، به شهر «چون ده» رسیدیم، در کنار دریا قرار دارد، آرامگاه حوّا نخستین زن عالم در آنجا است.»
 «مُحْرِم شدن» یکی از مراسم و اعمال مهمّ «زیارت خانه خدا» محسوب می‌شود. چون زائر خانه خدا از روی دریا «میقات» را نظاره کند، باید فوراً لباس احرام بر تن بپوشد.

کتاب «آداب و احکام دین آسمانی» یکی از آثار مهمّ فقهی مسلمانان چین می‌گوید:
 «مکه پنج میقات دارد، که همگی محلّ بستن احرام برای زیارت خانه خدا است.
 میقات شرقی را «ذات عرق» می‌نامند، که میقات اهل عراق است.
 میقات شمالی را «عرنه» می‌نامند، که میقات اهل نجد است.
 میقات غربی «جُحْفَه» است که میقات اهل شام می‌باشد.
 میقات جنوبی را «یَلْمَلَم» می‌نامند، که میقات اهل یمن است.
 میقات میانی را «ذی الحلیفه» می‌نامند، که میقات اهل حرم و مکه است.
 زائران خانه خدا که از چهار سمت و منطقه حرم به میقات وارد می‌شوند، باید فوراً لباس احرام بر تن بپوشند.

متن «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» نشان می‌دهد که روح الدین مافاچو به عنوان «مردی از مشرق زمین» در همان سال از میقات یلملم، میقات اهل یمن، وارد مسجد الحرام شده است.

آداب و اعمال «مُحرم شدن» عبارتند از:

«... ونخست خود را تمیز و پاکیزه کرده، غسل می‌کنی؛ جامه‌ات را عوض کرده، عطر و بوی خوش به خود می‌زنی؛ نماز می‌خوانی و ذکر تسبیح و تهلیل بسیار می‌گویی، و ذکر تلبیه را با صدای بلند قرائت می‌کنی؛ لباس احرام به تن می‌پوشی، سر برهنه، پای برهنه، جامهٔ زرد و بنفش نمی‌پوشی، نباید ظاهر و لباس بد بو باشد، نباید گل و میوه‌های خوش بو را استشمام کنی. نباید سر را شست و شو کنی. نباید موی سر را بتراشی. نباید سبیل را تمیز و مرتب کنی. نباید ناخن را بچینی. بستن هرگونه آرایش و زینتی ممنوع است، هیچ موجود و جانوری را نکشی...».

پس آنگاه، از انجام همهٔ اعمال و مناسک حج، می‌توان از احرام بیرون آمد و زندگی روز مره را از سر گرفت.

«تا مکه، دو شب با شتر و یک شب با اسب و الاغ راه پیمودم. غروب روز بیست و هشتم، از «چون ده» (جُده) بیرون آمدم، در اولین روز از ماه پنجم، اوّل سپیده دم به راه افتادم، به مکه رسیدم. آن سال ماه هفتم از سال کبیسه در مشرق زمین (چین) بود، ماه زیارت (ذی‌حجه) پس از یازدهمین ماه (قمری) قرار دارد. مراسم طواف و زیارت را انجام دادم.»*

مافاچو پس از ترک سرزمین چین و بعد از پشت سر گذاشتن یک سال و نیم از راه طولانی و پر مشقت. سرانجام به هنگام سپیده دم روز اوّل از ماه پنجم، تقویم کشاورزی چین برابر با سال ۱۸۴۳ میلادی به مکه مکرمه رسید. روز بعد، به صفوف زائران خانهٔ خدا پیوست. اعمال و مناسک حج، شامل بیتوته در منا، وقوف و نیایش در بیابان‌های اطراف مکه، وقوف در عرفات، رمی جمرات، قربانی، خروج از احرام، طواف کعبه، استلام حجرالأسود، سعی میان صفا و مروه، دیدار از چشمهٔ زمزم، دست کشیدن بر پردهٔ کعبه و وداع را انجام داد.

* گفتنی است نظریات فقهی فوق موافق با فتاوی اهل سنت است که به جهت عدم تصرف در متن نوشته، عین عبارات را آوردیم.



«اول دیدم کعبه در وسط قرار دارد. مسجد الحرام کعبه را احاطه کرده پیرامون آن تقریباً چهار گوش است. (دیوار) سمت چپ و راست آن اندکی درازتر از جلو و عقب آن است. (در این حال) صورتم به سمت شمال شرق و پشتم به سمت جنوب غرب بود. شکل کعبه مربع چهارگوش است، ارتفاع آن از سطح زمین سه «جانگ»^{۶۲} و چند «چی»^{۶۳} است، پهنای آن دو «جانگ» و هفت است، پارچه‌ای ابریشمی با گل‌های برجسته کعبه را پوشانده است. در کعبه در طرف چپ (کعبه) تکیه دارد. سه «چی» و اندی از زمین فاصله دارد. حجرالأسود در کنج دیوار کعبه نصب شده است. در سمت چپ در کعبه حدود چهار «چی» و اندی فاصله دارد. اطراف آن با نقره و جواهر احاطه شده است. بزرگی آن به اندازه سر انسان است. بیست گام در پیش روی کعبه، مقام ابراهیم قرار دارد، و آن سنگ زیر پای ابراهیم در موقع ترمیم و تعمیر کعبه بوده است. بر روی آن سنگ جای پای هست، در داخل یک اتاق قرار دارد. مقام حنفی در سمت راست کعبه قرار دارد. دیوار قدیمی (حطیم) هم هست. شکل دیوار قدیمی مانند کمان نیم‌دایره است. ارتفاع آن به سینه آدم می‌رسد. مردم آن را حجر اسماعیل می‌نامند. بعضی می‌گویند قبر وی زیر آن قرار دارد. مقام مالکی در پشت کعبه و در سمت چپ مقام حنبلی قرار دارد. در ازای صحن مسجد الحرام در سمت چپ و راست حدود ۵۰ «جانگ» و (درازای) جلو و عقب آن حدود چهل «جانگ» است، در مجموع سی و نه مدخل دارد، در نوزده مکان قرار دارند:

در طرف مقابل (مشرق) باب علی است، که مجموعاً سه مدخل دارد؛ در طرف راست (شمال) باب الدریبه یک مدخل، باب الزیاده سه مدخل، باب القطبی یک مدخل، باب الباسطیه یک مدخل، باب العتیق یک مدخل.

در طرف پشت سر (مغرب) باب عمره یک مدخل، باب ابراهیم یک مدخل، باب الوداع دو مدخل.

در طرف چپ (جنوب) باب الجیاد دو مدخل، باب التکیه دو مدخل، باب الشریف (قایتبای) دو مدخل، باب الرحمه دو مدخل، باب الصفا پنج مدخل، باب ام‌هانی دو مدخل، باب البغله دو مدخل.

صحن مسجد الحرام هفت مناره برای اذان دارد.»

چینیان کعبه را «تیئن فانگ»^{۶۴} (خانه آسمانی) می نامند. در کتاب «جی لو لی پین»^{۶۵} اثری متعلق به سال ۱۶۱۷ میلادی در خصوص کعبه چنین آمده است:

«نام آن عبادتگاه کعبه است، دیواری کهنه و قدیمی از بیرون (اطراف) دور آن را گرفته است. آن دیوار چهار صد و شصت و شش مدخل (ستون‌های استوانه‌ای) دارد. در دو طرف هر مدخل، ستونی از یشم سفید هست، در مجموع چهار صد و شصت و هفت ستون دارد، در سمت مقابل ۹۹ ستون، در پشت سر ۱۰۱ ستون، در سمت چپ ۱۳۲ ستون و در سمت راست ۱۲۵ ستون قرار دارد. آن خانه با چیدن سنگهای رنگارنگ روی هم بنا شده است. چهارگوش و سقفی مسطح دارد، داخل آن از پنج چوب بلند درخت عود (ساج) به عنوان ستون سقف استفاده کرده‌اند. و آن را با طلا پوشش داده‌اند، دیوار و خاک آن بوی گل رز و عنبر اشهب می‌دهد؛ بوی خوش عطر بی‌نظیر و تمام نشدنی است. بر روی آن پوششی از جنس دیبای زر، کشیده‌اند. بر روی آن پرده دو رأس شیر برای حفاظت از در آن کشیده‌اند. در سمت چپ در آن خانه (جبر اسماعیل)، آرامگاه حضرت اسماعیل پیامبر است. قبر او تمام از چیدن سنگهای قیمتی سبز رنگ بدون استفاده از گل بنا شده است. طول آن یک «جانگ» و دو «چی»، ارتفاع آن سه «چی»، و پهنای آن پنج «چی» است. دیواری که قبر را در برگرفته، با چیدن سنگ یشم سبز و زرد دلپذیر بنا شده است. ارتفاع آن اندکی بیش از پنج «چی» است. دیوارهای صحن معبد (مسجدالحرام) چهار گوشه دارد، چهار مناره بر فراز آن برای گفتن اذان ساخته‌اند. در طرف چپ و راست هر کدام دو مناره دارد، برای هر یک از ائمه مذاهب، کوشکی وجود دارد، که با استفاده از سنگ یشم بنا شده است. بیسار مرتب و منظم و با شکوه است.»

آنچه در بالا در باره مقیاس، طرح و ترکیب ساختمانی «کعبه» ذکر شد، تقریباً با متن «یادداشت‌های سفر به خانه خدا» شباهت دارد. اما نکته تقریباً شگفت‌انگیز آن است که مطالب مافاجو حاصل سفر وی به سرزمین وحی و رؤیت عینی آن مشاهد شریفه است و نسبتاً کامل و دقیق و قابل اعتماد است. اما مطالب کتاب «جی لو لی پین» گویا بر اساس



شایعات و شنیده‌ها تنظیم شده، با وجود این، محتوی و مضمون آن خالی از اغراق و مبالغه و نقاط ضعف نیست.

کتاب «آداب و احکام دین آسمانی» نیز چنین می‌گوید:
«خانهٔ کعبه همان بیت العتیق است، اندازهٔ آن خانه فراخ و مرتفع است، بر روی آن پرده‌ای است، بر چهار طرف آن آویخته، همهٔ آن از دیبای زرباف بافته شده، زائران بر گرد آن پرده طواف می‌کنند.»

همین منبع در ادامه می‌افزاید:

«پردهٔ خانهٔ خدا، از دیبای زرباف درست شده، ضخامت آن نسبتاً درشت است، از رنگهای عجیب و غریب تشکیل شده، مردم در همه جای جهان دوست دارند (قطعه‌ای) از آن داشته باشند، هر سال یکبار تعویض می‌شود، پادشاه دستور می‌دهد از پیش آن را تهیه کنند، تا موسم حج صبر می‌کنند، پردهٔ قدیمی را با پردهٔ جدید عوض می‌کنند، پردهٔ قدیمی را به تعداد زائران خانهٔ خدا شکافته و می‌بریدند. و به هر یک قطعه‌ای می‌دادند، مثل یک گنج از آن نگهداری می‌کردند و آن را به دیار خود می‌بردند، و آن تحفه و ارمغان سفر حج بود.»

• پی‌نوشتها:

۱. استاد حاج یوسف ناگوا چانگ مدرس مرکز علوم اسلامی شهر کون‌مینگ مرکز استان مسلمان نشین یون نان در جنوب غربی چین است.

۲. NA GUA Chang .

۳. Ma de xin .

۴. Fu Chu .

۵. Wang dai yu .

۶. Ma zhu .

۷. Liu zhi .





Qing . ۸
Bao ming zhen jing-zhi jie . ۹
Ma an li . ۱۰
Chao jin tu ji . ۱۱
Kun ming . ۱۲
Yun nan . ۱۳
Jing zhai . ۱۴
Ma kai ke . ۱۵
Tai he . ۱۶
Shan xi . ۱۷
Si Chvan . ۱۸
Liu zhi . ۱۹
Tian fang dian li . ۲۰
Zhou liang jun . ۲۱
Hu deng zhou . ۲۲
ling biao . ۲۳
Dao Guang . ۲۴
A wa . ۲۵
Jing Dong . ۲۶
Pu er . ۲۷
Si mao . ۲۸
Jiu long jiang . ۲۹
men jing . ۳۰
Men nai . ۳۱
Hu bo . ۳۲
luo jue . ۳۳
Bai pang . ۳۴
Bai er pang . ۳۵
g Yang gon . ۳۶
xi shuang ban na . ۳۷
Che li . ۳۸
Luo yi . ۳۹

۴۰. Li ؛ «لی»: واحد طول در چین قدیم. هر لی معادل ۵۰۰ متر است، «م».

Men Gen . ۴۱

Lang gong . ۴۲

Chun de . ۴۳

qian long jing hua lu . ۴۴

Yang da bo . ۴۵

A la gan . ۴۶

Di na xi lin . ۴۷

Mu ke . ۴۸

A yu wang . ۴۹

Mo jie tuo . ۵۰

Ma lian yuan (1841 - 1895) . ۵۱

Tao sui he . ۵۲

sai lang gu bu . ۵۳

Mai lai bo . ۵۴

Shu Gu zhuan la . ۵۵

Er fu . ۵۶

Mu ke . ۵۷

Ha dai de . ۵۸

Tian fang . ۵۹

Yi tong zhi . ۶۰

Kun lun . ۶۱

۶۲. Zhang ؛ جانگ، واحد طول در چین قدیم. هر «جانگ» معادل ۳۳ سانتی متر است.

۶۳. Chi: چی؛ واحد طول در چین قدیم. هر «چی» معادل ۳/۳ سانتی متر.

Tian Fang . ۶۴

Ji lu lei pian . ۶۵

